از زید بن ثابت انصاری رضی الله عنه که یکی از کاتبین وحی بود روایت است که می گوید: پس از نبرد یمامه (نبرد با مرتدین) ابوبکر به دنبال من فرستاد. (من نزد او رفتم) و عمر نیز آنجا بود.

از زید بن ثابت انصاری رضی الله عنه که یکی از کاتبین وحی بود روایت است که می گوید: پس از نبرد یمامه (نبرد با مرتدین) ابوبکر به دنبال من فرستاد. (من نزد او رفتم) و عمر نیز آنجا بود. ابوبکر گفت: عمر نزد من آمد و گفت: در روز یمامه تعداد زیادی از اصحاب کشته شدند و من بیم دارم که قاریان زیادی در نبردهای مختلف کشته شوند و بخش اعظمی از قرآن از بین برود؛ بنظر من بهتر است قرآن جمع آوری شود. ابوبکر می گوید: به عمر گفتم: چگونه کاری را انجام دهم که رسول الله صلی الله علیه وسلم انجام نداده است؟ عمر گفت: به الله سوگند کار خوبی است. (ابوبکر گفت:) عمر پیوسته در این خصوص با من سخن گفت تا اینکه الله سینه ام را برای این کار گشود و با عمر هم رای شدم. زید بن ثابت می گوید: عمر نزد ابوبکر ساکت نشسته بود. سپس ابوبکر گفت: تو جوان عاقلی هستی و ما تو را متهم نمی دانیم. تو وحی را برای رسول الله صلی الله علیه وسلم می نوشتی، پس قرآن را جمع آوری کن. (زید می گوید:) به الله سوگند اگر ابوبکر از من در خواست جابجایی کوهی را می کرد، برایم از جمع آوری قرآن سنگین تر و سخت تر نبود. گفتم: چطور کاری را می خواهید انجام دهید که رسول الله صلی الله علیه وسلم انجام نداده است؟ پس ابوبکر گفت: به الله سوگند کار نیکی است. زید می گوید: ابوبکر پیوسته در این خصوص با من صحبت کرد تا اینکه الله سینه من را همچون سینه ی ابوبکر و عمر گشود؛ بنابراین تصمیم گرفتم قرآن را جمع کنم پس شروع به جمع آوری قرآن از روی برگ ها و استخوان کتف (گوسفند و شتر) و قسمت نهایی و پهن شاخه های درخت خرما و سینه های مردم نمودم، تا اینکه در سوره توبه به دو آیه رسیدم که آن دو را فقط نزد خزیمه انصاری یافتم، که از این قرار است: «لَقَدْ جَاءكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم» [التوبه: 128] «یقیناً پیامبری از [میان] خود شما به سوی تان آمد که رنج دیدن تان بر او [گران و] دشوار است و بر [هدایت] شما سخت اصرار دارد» تا پایان. صحیفه هایی که قرآن در آنها گردآوری شده بود ابتدا نزد ابوبکر رضی الله عنه بود تا اینکه وفات یافت. سپس نزد عمر رضی الله عنه بود تا اینکه وفات یافت و در نهایت نزد حفصه دختر ابوبکر رضی الله عنهما بود.

[صحیح است] [به روایت بخاری]

زید بن ثابت انصاری رضی الله عنه حکایت می کند که در سال 11 هجری مسلمانان برای نبرد با مسیلمه کذاب که مدعی پیامبری بود و بسیاری از عرب های همراهش نیز مرتد شده بودند، به سرزمین یمامه رفتند. این نبرد در زمان خلافت ابوبکر صدیق رضی الله عنه روی داد. پس از اتمام نبرد و قتل بسیاری از اصحاب در آن نبرد، ابوبکر صدیق به دنبال زید فرستاد. وقتی زید نزد ابوبکر رفت، عمر را نزد او یافت. ابوبکر رضی الله عنه به زید گفت: عمر نزد من آمد و گفت: در نبرد با مسیلمه کذاب بسیاری از اصحاب کشته شدند و من می ترسم که تعداد زیادی از قاریان و حافظان قرآن در نبردهایی که با کفار خواهند داشت، کشته شوند و بخش اعظمی از قرآن از بین برود و بنظر من بهتر است قرآن جمع آوری شود. ابوبکر می گوید: به عمر گفتم: چطور کاری را انجام دهم که رسول الله صلی الله علیه وسلم انجام نداده است؟ پس عمر به من گفت: به الله سوگند جمع قرآن بهتر از این است که رها گردد. ابوبکر گفت: عمر پیوسته در این خصوص با من سخن گفت تا اینکه الله سینه ام را برای این کار گشود و تصمیم گرفتم قرآن را جمع آوری نمایم. زید بن ثابت می گوید: ابوبکر درحالی این سخنان را به من می گفت که عمر ساکت نشسته بود. سپس ابوبکر به زید گفت: ای زید تو جوان عاقلی هستی و ما تو را متهم به دروغ و فراموشی نمی کنیم. تو وحی را برای رسول الله صلی الله علیه وسلم می نوشتی، پس در جستجوی قرآن آن را جمع آوری کن. در

زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم تمام قرآن نوشته شده بود اما یک جا نبود و سوره های آن مرتب نمود. زید می گوید: به الله سوگند اگر ابوبکر از من درخواست جابجایی کوهی را می کرد، از این کار برایم سنگین تر نبود. سپس زید به ابوبکر و عمر رضی الله عنهم می گوید: چطور می خواهید کاری را انجام دهید که رسول الله صلی الله علیه وسلم انجام نداده است؟ پس ابوبکر به او گفت: به الله سوگند که کار نیکی است. زید گفت: ابوبکر پیوسته در این خصوص با من صحبت کرد تا اینکه الله سینه من را برای آن گشود و تصمیم گرفتم قرآن را جمع کنم، زیرا مصلحت عموم در این کار نهفته بود. بنابراین زید رضی الله عنه شروع به جمع آوری قرآن از روی برگ ها و کتف ها نمود. اکتاف جمع کتف است و به معنای استخوان عریضی در کتف حیوان است که در بخش پهن و عریض آن می نویسند. و نیز شاخه درخت خرما که پوستش را می کندند و بر قسمت پهن آن می نوشتند. و نیز از سینه های مؤمنان که در طول حیات رسول الله صلی الله علیه وسلم قرآن را حفظ نموده بودند. افرادی چون ابی بن کعب و معاذ بن جبل رضی الله عنهما؛ زید کارش را انجام داد و آنچه در کتف ها، برگه ها و غیره بود، شاهد و گواه یکدیگر بودند، تا اینکه زید رضی الله عنه به دو آیه از سوره توبه رسید که آنها را تنها نزد خزیمه بن ثابت انصاری یافت و در جای دیگری بصورت مکتوب پیدا نکرد. «لَقَدْ جَاءكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم» [التوبه: 128] «یقیناً پیامبری از [میان] خود شما به سوی تان آمد که رنج دیدن تان بر او [گران و] دشوار است و بر [هدایت] شما سخت اصرار دارد». تا پایان. و صحیفه هایی که قرآن در آنها گردآوری شده بود، نزد ابوبکر رضی الله عنه باقی ماند تا اینکه به رحمت الله رفت، سپس نزد عمر رضی الله عنه بود تا اینکه وفات می کند سپس نزد حفصه بنت عمر رضی الله عنهما باقی ماند. رافضی ها عملکرد ابوبکر در گردآوری قرآن را مورد اعتراض قرار می دهند و می گویند ایشان کاری را انجام داده که رسول الله صلی الله علیه وسلم انجام نداده است؛ اما در واقع این کار ابوبکر رضی الله عنه قابل نکوهش و انکار نیست؛ زیرا از باب نصیحت برای الله و رسولش و کتاب الله بوده است. و رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز آن را جایز دانسته اند؛ در صحیح مسلم از حدیث ابوسعید آمده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لَا تَكْتُبُوا عَنِّي شَيْئًا غَيْرَ الْقُرْآنِ»: «جز قرآن چیزی از من ننویسید». و ایشان تنها آنچه را که پیش از این مکتوب بود گردآوری نمود؛ پس اعتراض رافضی ها بر ابوبکر صدیق رضی الله عنه وارد نیست.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/10574